

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: از پورتال

بستر پیری

بگرفته گریبان مرا، افسر پیری
از موی سپیدی زده تاجی به سر من
آرامش من، راحت من برده به تاراج
دارد اثر تلخ به کامم، شکر و شیر
بر مهر درخشان نتوان، دیده گشودن
در میکده ام ره ندهد، رند خرابات
ضعف تنم از پای فگنده ست و ز حسرت
ای عمر ز کف رفته، چه انداخته ای باز
ای درد عجب با منت آهنگ مصاف است
آن شاهد گلچهره، دگر رام نگرده
هر لحظه به گوشم رسد از قافله عمر
از شصت گذشتیم و شکستیم و خمیدیم
آزرده دل از ریشه دست و سر و پائیم

افگنده به سر پنجه زورآور پیری
نامیده مرا پادشه کشور پیری
فوج غم افتادگی و لشکر پیری
پستان به لبم داده مگر مادر پیری
تا جلوه گر بخت شده، اختر پیری
با قامت خم گشته و لرزان سر پیری
لب می گزم از قند لب دختر پیری
چون مشت سپندم، به دل اخگر پیری
در بستر بیماری و در سنگر پیری
تادیده مرا، همسفر و همسر پیری
این نغمه دلگیر ز رامشگر پیری
ای وای ز افسانه و افسونگر پیری
ای خاک سیه باد شود، بر سر پیری

درمانده "اسیر" تو ز پرواز عجب نیست

ره یافته بر بال و پرش، شهر پیری

(بن - المان، مارچ ۱۹۹۴ع)